



□ نمایش عشق آباد که اخیراً در تئاتر شهر به روی صحنه رفت، تهیه‌کننده خصوصی داشت. آیا این نمایش را می‌توان بعنوان نمایش غیردولتی محسوب کرد؟

■ اگر تهیه‌کننده خصوصی در تئاتر پیدا شود، می‌توان آن را بعنوان تئاتر غیردولتی یا خصوصی قلمداد کرد. اما در مورد نمایش مورد نظر شما، تا آنجا که اطلاع دارم این اتفاق رخ نداده است. تهیه‌کننده نمایش از ابتدا پولی بعنوان دستمزد ماهانه به بازیگران پرداخت نکرده است. اگر هم قرار است پولی پرداخت شود از گیشه و یا قرارداد مرکز هنرهای نمایشی و یا تئاتر شهر پرداخت می‌شود. بنابراین این مسأله نمایش عشق آباد را تبدیل به یک نمایش غیردولتی نمی‌کند. در نمایش غیردولتی تهیه‌کننده خصوصی از ابتدا بازیگران را ماهانه و از نظر مالی حمایت می‌کند.

□ بحث تئاتر حرفه‌ای از سالها قبل در محافل تئاتری کشور ما مطرح است. در ابتدا قرار بود نمایشهای حرفه‌ای به وسیله آذمهای حرفه‌ای به روی صحنه برود. بتدریج سالنهایی که برای نمایش حرفه‌ای در نظر گرفته شده بود، محل اجرای سیاه‌مشق‌های آماتورها شد. استنباط شما از این موضوع چیست؟

■ تئاتر حرفه‌ای از نظر من یعنی تئاتر تعیین‌کننده. این تئاتر از هر نظر دارای معیار و عیار بالایی است. تئاتر حرفه‌ای در ما توقع ایجاد می‌کند. نمایشهایی در جامعه ما به روی صحنه رفته که فروش بالایی داشته، اما این به معنی نیست که آن نمایش حرفه‌ای است. متأسفانه در کشور ما تئاتر به شکل حرفه‌ای و جدی خود وجود خارجی ندارد.

□ از سخنان شما چنین نتیجه می‌گیرم که به صرف وجود آذمهای حرفه‌ای در نمایش، آن نمایش حرفه‌ای محسوب نمی‌شود...

■ دقیقاً، اداره تئاتر یک مرکز کاملاً حرفه‌ای در کشور است. اما این به معنی نیست که این مرکز تمام معیارهای تئاتر حرفه‌ای را دارا می‌باشد. تئاتر حرفه‌ای دارای امکانات خاص خود است. بازیگران و دست‌اندرکاران این تئاتر باید با دانش روز پیش بروند و همگی در آخرین و خلاقانه‌ترین مرحله قرار بگیرند. آنها باید در تئاتر تعیین‌کننده باشند. به صرف کارمند اداره تئاتر بودن، شخصی حرفه‌ای نمی‌شود.

□ پس به نظر شما تئاتر حرفه‌ای مرحله‌ای بالاتر از تئاتر آماتوری است. استنباط من این است که تئاتر تجربی مرحله‌ای بعد از تئاتر حرفه‌ای قرار دارد. آیا شما با این موضوع موافق هستید؟

■ تئاتر تجربی در کشور ما درست ارزیابی نشده است. اندیشه دوستان تئاتری من در این مورد مانند اندیشه آن فردی است که پسرش را در تعطیلات تابستان به کارگاه آهنگری می‌فرستد تا تجربه‌ای بیاموزد. کلمه تجربه را می‌توان درباره این موضوع به کار برد اما درباره تئاتر تجربی، صدق نمی‌کند. در حال حاضر و در سطح دنیا افرادی همچون پیتر بروک، گروتسکی و ... بعد از سالها کار کردن و طی کردن مرحله حرفه‌ای به جایی می‌رسند



سیاستگزاران تئاتر با تئاتر مشکل دارند

گفتگو با «حسین عاطفی» کارگردان و بازیگر تئاتر کشور

سعید مجیبی

حسین عاطفی از سال ۱۳۵۳ با شرکت در کلاسهای آزاد دانشکده هنرهای دراماتیک و شرکت در کلاسهای مرحوم محمود جوهری و پرویز تأییدی فعالیت تئاتری خود را آغاز می‌کند.

سال ۱۳۵۴ در رشته نمایش دانشکده هنرهای دراماتیک پذیرفته می‌شود و تا به امروز به فعالیت خود ادامه داده است. عاطفی بازی در ۲۰ نمایش از جمله نمایشهای: در منطقه جنگی، گوئرینکا، خسیس، شهردار، ارکستر زفان آشوتس، شاهزاده و گدا، گالیله، محاکمه ژاندارک و ... را در کارنامه هنری خود دارد. او همچنین نمایشهای: چکامه نخست، روی نی‌بندی، جشن سالگرد، تصویری کهنه برای یک قاب قدیمی، یادداشتهای روزانه یک دیوانه، خانه ابری و ... را کارگردانی کرده است.

□ قبل از هر چیز از اینکه دعوت ما را برای این گفت و گو پذیرفتید، تشکر می‌کنم. همان‌طور که مطلع هستید، درباره مشکلات تئاتر کشور مباحث بسیاری مطرح و پیرامون این موضوع مقالات بی‌شماری نیز چاپ شده است. اما موضوعی که کمتر به آنها پرداخته شده تئاتر دولتی و غیردولتی است. شما کدام را می‌پسندید! تئاتر دولتی و یا تئاتر شخصی را؟

■ در حال حاضر تئاتر غیردولتی نداریم و در این سالها هم تجربه این مسأله را نداشتیم. تئاتر غیردولتی در قبل از انقلاب وجود داشته اما متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این نوع تئاتر در کشور از بین رفته است. سینما تئاتر کوچک تهران، متعلق به پرویز صیادکاملاً شخصی بود. تنها تلنگر بجا مانده از آن سالها و تئاتر کوچک تهران قیمت بلیط بود که بسیار بالا بود. کارهای اجرایی این تئاتر معمولی بود و تفاوت ویژه‌ای با آثار اجرا شده در تالارهای دیگر نداشت.

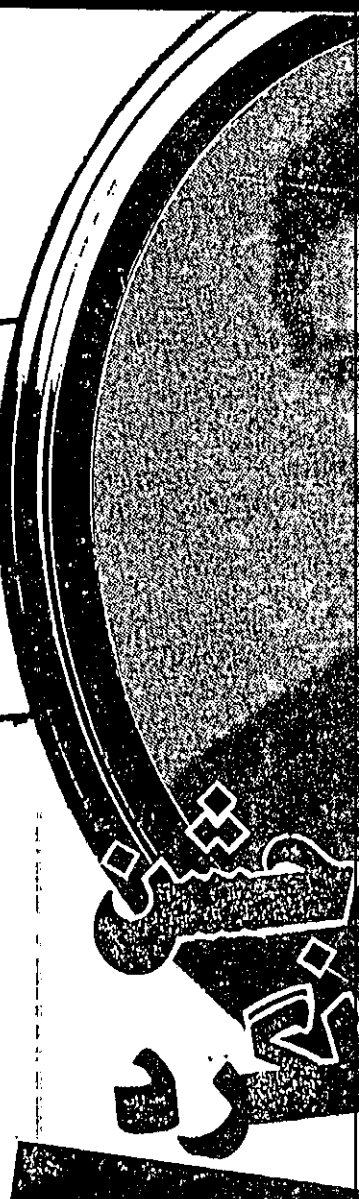
یادداشت‌های روز
ایر! نیکلای
ترجمه و تنظیم: آر. آر.
کارگردان: خد
بازیگر: بیبا



آینده جشنواره
داربوش مودبیان

مکان : خانه نمایش
کارگران : حسین غاطفی

زمان : اردیبهشت - خرداد ۶۸
ساعت : ۶ بعد از ظهر



يك ديواته

مود بیان
غاطفی
لالی



که گنست به جستجوی فراوان در اشکال و متون نمایشی می‌زنند، به این می‌گویند تئاتر تجربی، در این مرحله افرادی که فعالیت می‌کنند، دست به کشف دنیاها و ناشناخته تئاتر می‌زنند. زمانی مطرح کردیم که قرار است در اداره تئاتر کار تجربی شود. مسئولین فکر کردند منظور ما این است که عده‌ای آماتور قصد دارند نمایشی را به روی صحنه ببرند، در حالی که منظور ما کسانی بودند که سالها وارد عرصه کار حرفه‌ای شده بودند و حالا قصد داشتند در این سالن کار کنند.

□ همانطور که می‌دانید یکی از مسائلی که در تئاتر کشور ما مطرح است، وجود جشنواره‌های مختلف تئاتری است. به نظر شما این جشنواره‌ها تا چه اندازه می‌تواند به رشد و شکوفایی تئاتر کشور کمک کند و آیا اصولاً شما وجود این جشنواره‌های مختلف را در کشور لازم می‌دانید؟

■ جشنواره باید وجود داشته باشد زیرا به بالندگی هنر نمایش کمک می‌کند. متأسفانه در حال حاضر جشنواره‌های تئاتری بقدری زیاد شده که اصالت خود را از دست داده است. من با تعطیلی جشنواره‌ها مخالف هستم چون جشنواره تنها موقعیتی است که بچه‌های شهرستان می‌توانند دور هم جمع شوند و کار کنند. اگر مسئولان و سیاست‌گزاران تئاتر برخورد درستی با جشنواره‌ها داشته باشند، می‌تواند باعث رشد و بالندگی تئاتر شود. بچه‌های شهرستانها با هیچ گونه امکاناتی و حتی با وجود فشارهای متعدد، دشمنی‌ها و ... کار تئاتر می‌کنند. واقعا چه توقعی می‌توان از این بچه‌ها داشت؟ چگونه این جوانان می‌توانند به رشد و بالندگی تئاتر کمک کنند؟ متأسفانه در حال حاضر جشنواره‌ها تنها برای تنظیم جدول آمارها به کار می‌رود.

□ یک دیدگاه در این باره این است که با توجه به عدم وجود بستر و زمینه مناسب تئاتری در کشور، بهتر آن است که جشنواره‌های تئاتری برگزار نشود...

■ بله، تا شرایط برای این هنر مطلوب نشود و تا زمانی که مسئولین با این هنر آشتی نکنند، این وضعیت همچنان ادامه دارد. جشنواره‌ها فقط در حد جمع شدن بچه‌های تئاتری دور هم و جلوگیری از پراکندگی آنهاست. به نظر من مسئولین تئاتر با این هنر مشکل دارند.

□ در بحث ما مردم چه نقشی دارند. آیا فکر نمی‌کنید تماشاگران ما با حمایت از آثار کم‌ارزش کمک به ابتذال این هنر می‌کنند؟

■ نه، من مردم را مقصر نمی‌دانم. فکر می‌کنم مسائلی مثل تبلیغات نادرست و ستاره‌سازی و عوامل مهم دیگر در تماشاگران تأثیر سویی گذاشته و می‌گذارد. متأسفانه هنرمندان ما هم از این موضوع استفاده لازم را می‌کنند. استقبال مردم از نمایشهایی که دارای ستاره معروف، آدمهای مشهور و یا متن معروفی دارد، آنها هم به وسیله تبلیغات کاذب را جریان درست و سالمی نمی‌دانم. عدم استقبال مردم از یک نمایش دلیل بد بودن یک نمایش نیست و برعکس. در ضمن سیاست‌گذاری تئاتر کشور هم در این رابطه مهم است.

□ هنرمندان در این میان چه نقشی دارند؟

■ متأسفانه در حال حاضر بعلت وجود شرایط نامساعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... نمی‌توان درباره نقش

هنرمند بحث و گفتگو کرد. هنرمند دوست دارد نمایشهایی را روی صحنه ببرد که حداقل سالم باشند، اما متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد.

□ آیا فکر نمی‌کنید فعالیت هنرمندان تئاتری که در آثار بی‌ارزش تلویزیونی کار می‌کنند باعث به ابتذال کشیدن این هنر و پایین آمدن سطح سلیقه تماشاگران می‌شود؟

■ با این مسأله کاملاً موافق هستم. البته باز فکر نمی‌کنم مقصر اصلی در این مورد هنرمندان باشند. در تلویزیون اینطور به نظر می‌رسد که هنرمندان برای ابتذال و کار مبتذل از همدیگر سبقت می‌گیرند. خیلی مواقع هنرمندان ایده‌آلهای خیلی خوبی دارند اما در عمل عکس تمام آنها اتفاق می‌افتد.

□ چندی است که بحث تئاتر بانوان در جامعه مطرح شده است. آیا شما با زنانه و مردانه کردن تئاتر موافق هستید؟

■ نه، تئاتر ریشه در زندگی دارد و سلولهای زنده زندگی زن و مرد است. تفکیک این موضوع و مطرح کردن تئاتر زنانه و یا مردانه بحثی باطل است. زن و مرد را در تئاتر نمی‌توان سوا کرد همانطور که نمی‌توان در زندگی این کار را کرد. مگر می‌توان زن و مرد را در کانون زندگی جدا کرد؟ این باعث پاشیدگی کانون زندگی می‌شود. در مورد تئاتر هم این مسأله موجب از هم پاشیدگی کانون تئاتر می‌شود.

□ تئاتر ما با تئاتر دنیا قطع رابطه کرده است. به نظر شما این مسأله می‌تواند چه معضلاتی برای تئاتر ما به همراه داشته باشد؟

■ در اصل معضلات و عواقب منفی خود را ظاهر کرده است. به نظر من وقتی ما با تئاتر دنیا هیچ ارتباطی نداریم و حتی نمی‌دانیم پیام روز جهانی تئاتر امسال را چه کسی داده است، توقع تئاتری پویا و بالنده را نباید داشته باشیم. غیر از این مسأله، نمایش خارجی را به سختی تصویب می‌کنند. اگر آثار خوب جهانی در کشور ما به روی صحنه می‌رفت ما مطمئناً نمایشنامه‌نویسان بهتری داشتیم. در حال حاضر بعلت این عدم ارتباط وضعیت بسیار نامساعد است. نمایشنامه‌نویسان جوان ما بعلت این مسأله دست به نوشتن آثاری می‌زنند که فاقد ارزشهای دراماتیک است. همه این مسائل بدلیل این عدم ارتباط است. نمایشنامه‌نویسان جوان ما اطلاع درستی از اصول نوشتن، برخورد کردن با موضوعات مختلف و ... ندارند. کتاب و مقالات خوب هم بندرت چاپ می‌شود و اگر مقاله‌ای هم مثلاً در مجله شما چاپ می‌شود متعلق به سالها پیش است. هر چند به دلیل عدم چاپ کتاب و مقاله در این رابطه باز غنیمت است.

□ به نظر شما راه حل این معضل چیست؟

■ به نظر من تنها راه نجات تئاتر آشتی کردن مسئولین با تئاتر و ایجاد حس اعتماد متقابل بین مسئولین و هنرمندان است. مسأله‌ای وجود دارد که این اعتماد از بین رفته است. هیچ مسئولی از تئاتر بد نمی‌گوید اما فعالیت تئاتری هم انجام نمی‌دهد. برای رونق تئاتر باید کلیه موانع و معضلات حل شود و قانون و ضابطه خاصی بر تئاتر کشور حاکم شود.

□ و حرف آخر؟
■ تشکر از شما و آرزوی موفقیت برای مجله‌اتان.